

سه دهه با مطبوعات فارسی زبان مهاجران افغان در ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۸۶

• مهدی جعفری خانقاه^۱

پژوهشگر مطبوعات فارسی زبان

با سقوط طالبان و
روی کار آمدن دولت حامد
کرزای صدها نشریه
نوشتاری به همراه سایر
رسانه‌های دیداری و
شنیداری در فضای
جدید سیاسی افغانستان
پدیدار شد

چکیده:

در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از اطلاعات و آمار بدست آمده، پدیده مطبوعات مهاجران افغان در ایران و فراز و فرود آن طی سه دهه گذشته همراه با علل مهاجرت ایشان در دوره‌های مختلف تاریخی ارزیابی شود. همچنین فعالیت‌های ناشران افغانی که نشریات خود را به زبان فارسی منتشر می‌کنند، جزء محورهای اصلی این مقاله است. **کلیدواژه‌ها:** تاریخ افغانستان، تاریخ مطبوعات افغانستان، مهاجران افغان، نشریات افغان در ایران.

از استبداد طومارش را درهم پیچیده است. با سقوط طالبان و روی کار آمدن دولت حامد کرزای صدها نشریه نوشتاری به همراه سایر رسانه‌های دیداری و شنیداری در فضای جدید سیاسی افغانستان پدیدار شد. برابر آمارهای موجود تاکنون ۴۴۲ عنوان رسانه نوشتاری (روزنامه، هفته‌نامه، فصلنامه و...) در افغانستان تأسیس شده است که از این تعداد فقط ۲۸۸ عنوان نشریه در ولایات (شهرستان‌ها) منتشر می‌گردد (کوف اب، ۱۳۸۷).

انتظار می‌رود با فرصتی که در این سال‌ها برای حیات دوباره مطبوعات افغانستان پدید آمده است، این فرصت طلایی با درایت اهالی مطبوعات و روزنامه‌نگاران مترقی، به شکل‌گیری جریان‌های فکری تأثیرگذار و تأسیس نهادهای پایدار دموکراتیک در افغانستان بینجامد. البته تنها نباید به این اکتفا کرد که چون امروزه بسترهای لازم برای تأسیس یک رسانه آزاد در افغانستان فراهم آمده، پس رسانه‌های افغانستان جملگی در وضع مطلوبی به سر می‌برند. با توجه به فراوانی رسانه‌های نوشتاری افغانستان یکی از مسائل جدی و بغرنجی

با تورق تاریخ مطبوعات افغانستان درمی‌یابیم که از میان کشورهای فارسی زبان، افغانستان چهارمین کشوری بود که برای نخستین بار طعم روزنامه‌نگاری فارسی را تجربه کرد و بدین ترتیب با انتشار نخستین نشریه افغانستان به نام شمس النهار در هفته پایانی شعبان ۱۲۹۰/ هفته سوم اکتبر ۱۸۷۳/ هفته چهارم مهر ۱۲۵۲، دست اندرکاران آن به فاصله ۳۷ ساله خود با روزنامه‌نگاری ایران و فاصله ۹۳ ساله با روزنامه‌نگاری فارسی در هند پایان بخشیدند (پروین، ۱۳۷۷، ص ۳۱۹).

اکنون که بیش از ۱۳۰ سال از عمر روزنامه‌نگاری در افغانستان می‌گذرد، مطبوعات افغانستان تجربه‌های متفاوتی را در نظام‌های استبدادی، دموکراسی، کمونیستی و جهادی به دست آورده‌اند. در حالی که هیچ‌گاه همانند امروز مجالی برای آزادی بیان پیدا نکرده است. با مطالعه روند تاریخی جریان روزنامه‌نگاری در افغانستان می‌توان دریافت که اگرچه در دوره‌هایی فرصتی برای آزادی بیان پیش می‌آمد، این فرصت‌ها کوتاه و متأسفانه زودگذر بوده است. زیرا پیش از آنکه نهال مطبوعات آزاد قوام یابد، طوفان‌های سهمگین برخاسته

پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرصتی را فراهم ساخت تا جمع کثیری از رهبران، فعالان احزاب و گروه‌های سیاسی و جهادی، ایران را پایگاه مناسبی برای نشر دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی خود در قبال رژیم کمونیستی کابل بیابند

که منتقدان این حوزه را نگران ساخته، ورود افراد غیرحرفه‌ای در تأسیس و راه‌اندازی یک رسانه بدون در نظر گرفتن معیارهای حرفه‌ای و اهداف مشخص است. مسلماً این رویه نمی‌تواند در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه افغانستان و تنویر افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

البته این خود مقوله دیگری است که باید جداگانه به آن پرداخت. همان‌طور که از عنوان مقاله پیداست، در اینجا تلاش بر این است که فعالیت‌های مطبوعاتی سه دهه گذشته مهاجران افغان در ایران - از سال ۱۳۵۷-۱۳۸۶ - با تکیه بر منابع و داشته‌های موجود در آرشیو شخصی نگارنده بررسی شود. ابتدا باید رویش نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغان در ایران را در علت مهاجرت ایشان جست‌وجو کرد. بنابراین از منظر تاریخی و سیاسی به واکوی مهاجرت افغان‌ها که باعث رونق نشریات افغانی در ایران شده‌اند، پرداخته‌ایم.

کودتای هفتم نور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ که به روی کار آمدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان به رهبری نورمحمد تره‌کی منجر شد، ماهیتی مارکسیستی داشت که از حمایت همه‌جانبه اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز بهره‌مند بود. روند این تحولات با روحیه استعمارستیزی و باورهای دینی و اسلامی مردم افغانستان در تضاد بود. دیری نپایید که شورش‌های عمومی سراسر افغانستان را فراگرفت. حکومت برای حفظ موقعیت خود و آرام نگهداشتن جو عمومی ناگزیر در ۲۳ سنبله (شهریور) ۱۳۵۸ نور محمد تره‌کی را از مقام رهبری خلع کرد و حفیظ‌الله امین را بر سریر قدرت نشاند. این اقدامات مانع از ناآرامی‌های عمومی نشد و ناگزیر شوروی برای نجات حکومت دست‌نشانده خود ششم جدی (دی) ۱۳۵۸ به افغانستان یورش برد و دوره جدیدی از مهاجرت را برای مردم افغانستان رقم زد. بعد از دوره کوتاه‌مدت رهبری حفیظ‌الله امین به ترتیب ببرک کارمل (ششم جدی ۱۳۵۸ تا سوم قوس (آذر) ۱۳۶۵)، حاجی محمد چمکنی (سوم قوس ۱۳۶۵ تا هشتم میزان (مهر) ۱۳۶۶) و دکتر نجیب‌الله (هشتم میزان ۱۳۶۶ تا ۲۷ حمل (فروردین) ۱۳۷۱) رهبری حکومت کمونیستی افغانستان را به دست گرفتند (ویکی پدیا (۲۰۰۸)).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرصتی را فراهم ساخت تا جمع کثیری از رهبران، فعالان احزاب و گروه‌های سیاسی و جهادی، ایران را پایگاه مناسبی برای نشر دیدگاه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی خود در قبال رژیم کمونیستی کابل بیابند. لذا در این دوره نشریات سیاسی و دینی با مضامین جهادی و نظامی در ایران شکل گرفت. ترویج روحیه مقاومت

و شهادت‌طلبی در برابر اشغالگران خارجی و افشاگری ماهیت ضددینی رژیم کمونیستی کابل از ویژگی‌های بارز نشریات جهادی در این دوره بود. با شکست ارتش سرخ شوروی سابق در سال ۱۳۶۸ و متعاقب آن خروج نیروهای شوروی و سقوط آخرین دولت کمونیستی کابل در سال ۱۳۷۱ این بار افغانستان پس از ۱۴ سال درگیری با حکومت داخلی و دشمن متجاوز، روی کار آمدن دولت مجاهدین در هفتم ثور ۱۳۷۱ را تجربه می‌کرد.

در این دوره جاه‌طلبی رهبران سیاسی و فرماندهان نظامی باعث به‌وجود آمدن جنگ‌های داخلی و متعاقب آن ناآرامی و ناامنی در افغانستان شد. بنابراین ناخواسته دومین دوره مهاجرت بر مردم افغانستان تحمیل شد. آتش این جنگ‌های داخلی و خانمانسوز تا پایان سال ۱۳۵۷ شعله‌ور بود. سومین دوره مهاجرت در زمان تسلط طالبان بر افغانستان صورت گرفت. گروه طالبان با استفاده از فرصت پیش‌آمده به قدرت رسید و تا آبان ۱۳۸۰ بی‌محابا دیدگاه‌های متحجرانه خود را بر مردم افغانستان تحمیل کرد. اما چرخه مهاجرت با حمله آمریکا به افغانستان و حوادث بعد از آن از حرکت بازماند. پرواضح است که ماهیت مهاجرت افغان‌ها به ایران صرفاً سیاسی نبوده بلکه در گذر ایام اشتراکات مذهبی، فرهنگی و تاریخی، کسب کار و تأمین معیشت اقتصادی از دیگر عوامل مهاجرت افغان‌ها به ایران به حساب می‌آید.

با حضور مهاجران افغان در ایران، ناگزیر عده زیادی از آنان برای تأمین معاش خانواده، روی به مشاغل سخت و دشوار آوردند، کارهایی که غالباً کمتر کسی تن به انجام آنها می‌دهد. این باور در میان جامعه که مهاجران افغان جز انجام کارهای سخت و طاقت‌فرسا کار دیگری از دستشان بر نمی‌آید قوت بیشتری پیدا کرد و در این میان اگر کسی جرمی را مرتکب می‌گردید، چنان بر طبل رسوایی جامعه افغان کوبیده می‌شد که گویی همگی آنها انسان‌های مجرم و خطرناکی‌اند.

مهاجران افغان فارغ از جغرافیای سیاسی، خود را متعلق به جغرافیای فرهنگی این مرزوبوم می‌پنداشته و از اینکه در سرزمین مادری خویش چنین مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند، احساس غربت وجودشان را به شدت می‌آزرد. به‌خصوص اقتشار فرهنگی این جامعه که روبرویی با چنین وضعی برایشان سخت و گران می‌آمد. ما فراموش کرده‌ایم افغان‌ها قبل از آنکه همسایه دیوار به دیوار ما باشند، متعلق به این دیارند. ولی از بد روزگار مانند بخش‌های دیگر سرزمین‌مان،

از سال ۱۳۵۷ به این سو، مهاجران افغان نزدیک به سیصد عنوان نشریه در شهرهای مختلف ایران به چاپ رسانده و نیز هزار عنوان کتاب منتشر کرده‌اند



تکه جدا شده‌ای از ایران، افغانستان نام گرفت. نفرت از جامعه مهاجران افغان و مقصدانستن آنها در مسائل اجتماعی، اقتصادی کشور از سویی و جهل نسبت به فرهنگ جامعه افغان، تناقص در برخورد با آنان و ابراز نارضایتی از حضورشان در ایران از سوی دیگر نمایانگر ویژگی‌های رفتاری جامعه ایرانی با بخشی از وجودش است (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

مهاجران افغان در این سرزمین به رسم کیش و آیینی که از همین دیار به ارث برده‌اند، نسبت به حفظ هویت و باورهای فرهنگی و دینی خود بی تفاوت نبوده و طی این سه دهه گذشته، تلاش‌های چشمگیری را در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی از خود نشان داده‌اند.

زمانی توجه به این تلاش‌ها اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند که بدانیم از سال ۱۳۵۷ به این سو، مهاجران افغان نزدیک به سیصد عنوان نشریه در شهرهای مختلف ایران به چاپ رسانده و نیز هزار عنوان کتاب منتشر کرده‌اند. همچنین ده‌ها مرکز فرهنگی - اجتماعی و مدارس خودگردان تأسیس کرده و گردهمایی‌های گوناگونی با مضامین فرهنگی - ادبی در ایران برپا کرده‌اند. افزون بر آن بیش از چهارصد عنوان نشریه به زبان فارسی در خارج از ایران و افغانستان در سراسر جهان منتشر کرده‌اند (محرابی و جعفری خانقاه، ۱۳۸۲).

توجه به نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغان در ایران از چند منظر قابل تأمل است:

۱. در میان کشورهای همسایه و حتی جهان، ایران سهم بسزایی از حضور مهاجران افغان را به خود اختصاص داده است. بنابراین توجه به کارنامه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی

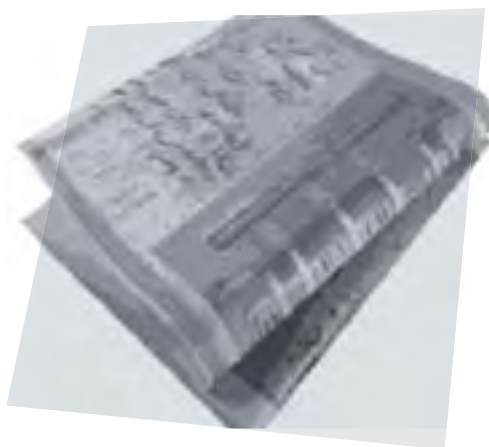
جهان از سال ۱۳۵۷ - ۱۳۸۱ آغاز کردند که نتیجه آن تهیه و تدوین کتاب نشریات فارسی زبان مهاجران افغانستانی در سراسر جهان است. در این تحقیق اطلاعات شناسنامه‌ای ۶۰۸ عنوان از نشریات مهاجران افغان به دست آمده که شامل اطلاعات جالبی درباره گستره انتشار نشریات مهاجران افغان در ۲۱ کشور جهان است. مکان انتشار و تعداد عناوین نشریات به قرار زیر است:

پاکستان ۲۳۲ عنوان؛ ایران ۲۰۱ عنوان؛ آلمان ۵۷ عنوان؛ آمریکا ۴۷ عنوان؛ هندوستان نه عنوان؛ کانادا هشت عنوان؛ فرانسه، نروژ، هلند، انگلستان، تاجیکستان هر کدام شش عنوان؛ استرالیا پنج عنوان؛ دانمارک و روسیه هر کدام چهار عنوان؛ سوئد سه عنوان؛ سوئیس و بلژیک هر کدام دو عنوان؛ اتریش، چک، فنلاند و مجارستان هر کدام یک عنوان (محرابی و جعفری خانقاه، ۱۳۸۲).

از مجموع ۲۰۱ عنوان نشریه معرفی شده در این کتاب، محل انتشار نشریات در هشت شهر ایران به ترتیب از این قرار است: مشهد و تهران هر کدام ۶۲؛ قم ۴۳؛ اصفهان دو؛ و زابل، ساوه، شیراز و یزد هر کدام یک عنوان. محل انتشار ۲۸ عنوان نشریه نیز نامعلوم است. این آمار بیانگر آن است که بیشترین نشریات به دلیل اجتماع و متمرکز شدن مهاجران افغان در شهرهای مهم ایران به ترتیب در مشهد و تهران هر کدام با ۶۲ عنوان و قم با ۴۳ عنوان به چاپ رسیده است. همچنین این آمار نشان دهنده آن است که از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰، ۱۱۱ عنوان نشریه، از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، ۳۳ عنوان نشریه و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۱، ۵۳ عنوان نشریه تأسیس شده و از این میان سال تأسیس چهار عنوان نشریه نیز نامعلوم مانده است (محرابی، ۱۳۸۲، ص ۸۹-۹۱).

علاوه بر ۲۰۱ عنوان نشریه‌ای که محرابی تا پایان سال ۱۳۸۱ شناسایی کرده، نگارنده این سطور نیز توانسته است در بررسی‌های خود تا پایان سال ۱۳۸۶، ۵۸ عنوان نشریه جدید را به مجموعه حاضر بیفزاید که با احتساب این رقم آمار نشریات مهاجران افغان در ایران از ۲۰۱ عنوان به ۲۵۹ عنوان نشریه افزایش می‌یابد.

در آمار جدید گستره انتشار نشریات مهاجران افغان از سال ۱۳۵۸ - ۱۳۸۶ در ۱۱ شهر ایران به این قرار است: تهران ۸۷؛ مشهد ۷۳؛ قم ۵۵؛ اصفهان سه؛ شیراز دو؛ و شهرهای زابل، سمنان، ساوه، یزد، تبریز و کاشان هر کدام یک عنوان. محل انتشار ۳۳ عنوان از نشریات نیز بر ما معلوم نگردید.^۲



گستره انتشار نشریات مهاجران افغان از سال ۱۳۵۸ - ۱۳۸۶ در ۱۱ شهر ایران به این قرار است: تهران ۸۷؛ مشهد ۷۳؛ قم ۵۵؛ اصفهان سه؛ شیراز دو؛ و شهرهای زابل، سمنان، ساوه، یزد، تبریز و کاشان هر کدام یک عنوان

۱. دوره اول: حکومت کمونیستی افغانستان از هفتم ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ - ۲۷ حمل (فروردین) ۱۳۷۱؛
۲. دوره دوم: حکومت مجاهدین از هفتم ثور ۱۳۷۱ - پنجم میزان (مهر) ۱۳۷۵؛
۳. دوره سوم: حکومت امارت اسلامی افغانستان از ششم میزان ۱۳۷۵ - ۲۱ عقرب (آبان) ۱۳۸۰؛
۴. دوره چهارم: حکومت انتقالی و جمهوری اسلامی افغانستان از اول جدی (دی) ۱۳۸۰ تا کنون.

نگاهی به روند رشد نشریات مهاجران افغان در ایران انتشار نزدیک به سیصد عنوان نشریه به شکل‌های گوناگون در ایران رویداد مهمی در عرصه مطبوعات مهاجرت به حساب می‌آید.

اگر قرار باشد روزی تحقیقی جداگانه درباره نشریات مهاجران سراسر جهان صورت گیرد، بی‌شک از تلاش مهاجران ایرانی و سپس مهاجران افغان ستایش خواهد شد. از آنجاکه از سال ۱۳۵۷ آمار دقیق و درستی از انتشار نشریات مهاجران افغان در جهان وجود نداشت، راقم این سطور به همراه آقای معین‌الدین محرابی تلاش مضاعفی را برای جست‌وجو و تحقیق درباره نشریات مهاجران افغان در

جدول شماره ۱۰. محل انتشار نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغان در ایران (۱۳۸۶ - ۱۳۵۸)

ردیف	محل انتشار	تعداد نشریات
۱	تهران	۸۷
۲	مشهد	۷۳
۳	قم	۵۵
۴	اصفهان	۳
۵	شیراز	۲
۶	زابل	۱
۷	سمنان	۱
۸	ساوه	۱
۹	یزد	۱
۱۰	تبریز	۱
۱۱	کاشان	۱
۱۲	نامعلوم	۳۳
جمع		۲۵۹

در بررسی نتیجه داده‌های محرابی با آمار جدید تغییرات محسوسی به چشم می‌خورد. بدین ترتیب که در آمار قبلی مشهد با ۶۲ عنوان نشریه افغان رتبه نخست را کسب کرده بود، اما در آمار جدید این بار تهران با ۸۷ عنوان نشریه در صدر جدول قرار گرفته است. علاوه بر آن نیز مشخص شد در شهرهای سمنان، تبریز و کاشان مهاجران افغان نشریه فارسی منتشر کرده‌اند. جدول شماره ۱ گویای این مطلب است.

پراکندگی نشریات مهاجران افغان در شهرهای مختلف ایران مانند زابل، سمنان و ساوه نشان می‌دهد که هر جا که مهاجران افغان گرد هم جمع شده‌اند، علاقه‌مندان به فعالیت‌های فرهنگی با بضاعت اندک خویش به راهاندازی نشریه‌ای هرچند ضعیف همت گماشته‌اند. از سوی دیگر روند رشد نشریات مهاجران افغان در ایران تا سال ۱۳۸۶ به تفکیک سال تأسیس حاکی از آن است که در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰، ۱۱۵ عنوان نشریه، ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵، ۳۵ عنوان نشریه، ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، شصت عنوان نشریه و ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶، ۳۹ عنوان نشریه تأسیس شده است و سال تأسیس ده عنوان نیز مشخص نگردید.

جدول شماره ۲. روند رشد نشریات مهاجران افغان در ایران به تفکیک سال تأسیس (۱۳۵۸ - ۱۳۸۶)

ردیف	سال تأسیس	تعداد نشریات
۱	۱۳۵۸	۲۲
۲	۱۳۵۹	۱۷
۳	۱۳۶۰	۸
۴	۱۳۶۱	۷
۵	۱۳۶۲	۳
۶	۱۳۶۳	۳
۷	۱۳۶۴	۴
۸	۱۳۶۵	۱
۹	۱۳۶۶	۵
۱۰	۱۳۶۷	۱۴
۱۱	۱۳۶۸	۱۲
۱۲	۱۳۶۹	۱۱
۱۳	۱۳۷۰	۸
۱۴	۱۳۷۱	۸
۱۵	۱۳۷۲	۱۱
۱۶	۱۳۷۳	۶
۱۷	۱۳۷۴	۷
۱۸	۱۳۷۵	۳
۱۹	۱۳۷۶	۱۶
۲۰	۱۳۷۷	۱۴
۲۱	۱۳۷۸	۱۱
۲۲	۱۳۷۹	۱۰
۲۳	۱۳۸۰	۹
۲۴	۱۳۸۱	۱۶
۲۵	۱۳۸۲	۹
۲۶	۱۳۸۳	۶
۲۷	۱۳۸۴	۴
۲۸	۱۳۸۵	۳
۲۹	۱۳۸۶	۱
۳۰	نامعلوم	۱۰
جمع		۲۵۹

آمار جدید نشان می‌دهد که روند رشد نشریات مهاجران افغان در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۶ روندی نزولی داشته و بیشترین نشریات تأسیس شده مربوط به سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ با ۱۱۵ عنوان و سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ با ۶۰ عنوان بوده است. جالب آنکه نتیجه داده‌های این آمار مبنای انتخاب

پراکندگی نشریات مهاجران افغان در شهرهای مختلف ایران مانند زابل، سمنان و ساوه نشان می‌دهد که هر جا که مهاجران افغان گرد هم جمع شده‌اند، علاقه‌مندان به فعالیت‌های فرهنگی با بضاعت اندک خویش به راهاندازی نشریه‌ای هرچند ضعیف همت گماشته‌اند

اما سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ دوره‌ای را شامل می‌شود که طالبان با عنوان حکومت امارت اسلامی بر افغانستان تسلط یافتند. به‌رغم انتشار شصت عنوان نشریه در این دوره و وابستگی بخشی از آنها به جریان‌های سیاسی و جهادی افغان در ایران، نباید از نقش نشریات جهادی این دوره در افشاگری ماهیت انحرافی گروه طالبان غافل شد. به‌دلیل دلزدگی جامعه افغان از درگیری‌ها و کشمکش‌های جناحی و ناامیدی از آینده سیاسی افغانستان در این دوره، روند رشد نشریات مستقل و غیرسیاسی با هدف حفظ هویت فرهنگی و دینی مهاجران افغان روبه‌فزونی گذاشت، به‌طوری‌که با سرمایه‌های اندک و همت‌های بلند نشریات مطرح و جدی مانند دردی با صبغه فرهنگی و ادبی پا به عرصه ظهور گذاشت (صدای افغان، ۱۳۸۷).

سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۶ دوره‌ای است که دیگر طالبان نقشی در حاکمیت سیاسی افغانستان ندارد و حکومت انتقالی حامد کرزای که بعدها جمهوری اسلامی افغانستان نام گرفت، رهبری افغانستان را عهده‌دار شد.

در این دوره که نسیم آزادی بر افغانستان وزیدن گرفت، ثبات سیاسی امکان مشارکت همگانی را در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه و بیان آزاداندیشانه فراهم آورد و در نتیجه باعث شکل‌گیری رسانه‌های متعدد نوشتاری، شنیداری و دیداری در افغانستان شد. شرایط موجود بسیاری از دست‌اندرکاران مطبوعات افغانی را تشویق کرد تا به‌رغم سالیان متمادی فعالیت مطبوعاتی، ایران را به مقصد افغانستان ترک گویند و دور جدیدی از فعالیت روزنامه‌نگاری را در کشورشان آغاز کنند.

بنابراین در این دوره با سیر افولی نشریات مهاجرین افغانی در ایران روبه‌رویم. البته سخت‌گیری در صدور مجوز انتشار برای نشریات افغانی از سوی مقامات ایرانی، بالا بودن هزینه‌های انتشار نشریه، مخاطبان اندک و توزیع نامناسب از جمله عواملی بود که تمایل فعالان مطبوعات افغان را برای بازگشت به افغانستان دوچندان ساخت.

در پایان به‌اختصار نکاتی درباره ویژگی نشریات مهاجران افغان در ایران ذکر می‌شود:

- سال‌های آغازین فعالیت مطبوعاتی مهاجران افغان همراه با فعالیت‌های سیاسی بود، اما به‌مرور زمان تغییر نگرش در بیان آرمان‌ها و اهداف، باعث شکل‌گیری نشریات فرهنگی و حتی موضوعی در زمینه‌های مختلف شد؛
- با بررسی محتوای نشریات مهاجران افغان باید اذعان



چهار دوره‌ای را که نشریات براساس آن تقسیم‌بندی شده‌اند، تصدیق می‌کند. زیرا دلیل افزایش نشریات مهاجران افغان مقیم ایران در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ مربوط به دوره‌ای می‌شود که از یک طرف حاکمیت کمونیستی بر فضای سیاسی افغانستان سطره داشت و از طرف دیگر ارتش سرخ شوروی افغانستان را به محاصره نظامی خود درآورده بود. بنابراین احزاب و گروه‌های سیاسی و جهادی افغان در ایران برای بیان آرمان‌های انقلابی خود و تلاش برای پیکار با اندیشه‌های مارکسیستی نظام کمونیستی کابل و نفوذ شوروی توانسته‌اند نشریات بسیاری با رویکرد سیاسی در ایران پایه‌گذاری کنند. براساس اطلاعات بدست‌آمده فقط ۱۱۵ نشریه در این دوره عمدتاً از سوی حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی و جمعیت اسلامی افغانستان انتشار یافته است. در این میان نباید نقش انقلاب اسلامی ایران و بهره‌گیری مطبوعات وابسته به احزاب مهاجران از گفتمان‌های انقلابی را در شکل‌گیری وحدت بین افغان‌ها که شکست حکومت کمونیستی کابل و بیرون‌راندن ارتش شوروی از خاک افغانستان را به‌همراه داشت، نادیده گرفت.

**احزاب و گروه‌های
سیاسی و جهادی
افغان در ایران برای
بیان آرمان‌های انقلابی
خود و تلاش برای
پیکار با اندیشه‌های
مارکسیستی نظام
کمونیستی کابل و نفوذ
شوروی توانسته‌اند
نشریات بسیاری با
رویکرد سیاسی در ایران
پایه‌گذاری کنند**

مثلی بنام روزنامه نگاران افغان در ایران را تشکیل داده‌اند در روند شکل‌گیری مطبوعات مستقل و غیرسیاسی به فراموشی سپرد.

پی‌نوشت‌ها:

1. mehdikh@yahoo.com
۲. اطلاعات آماری برگرفته از کتاب نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغانستانی در ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۱) و مجموعه نشریات موجود در آرشیو نگارنده است که تا پایان سال ۱۳۸۶ جمع‌آوری شده است.
۳. مانند پایگاه آرمان به‌نشانی: www.armans.info

مآخذ:

۱. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان (ج ۱: پیدایش)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲. وبلاگ کوف اب (۱۳۸۷). [پیوسته]. قابل دسترس در: <http://hahahapp.blogfa.com/post-32.aspx> [Accessed 10 Dec. 2008]
۳. پایگاه ویکی‌پدیا (۲۰۰۸). [پیوسته]. قابل دسترس در: <http://fa.wikipedia.org> [Accessed 10 Dec. 2008]
۴. آتی بان (۲۰۰۸). [پیوسته]. قابل دسترس در: www.atiban.com/article.aspx?id=689 [Accessed 10 Dec. 2008]
۵. صادقی، فاطمه (۱۳۸۶). «دولت ایران و مهاجرین افغان: تغییر سیاست و تحول هویت»، فصلنامه گفتگو، تهران، ش ۵۰.
۶. محرابی، معین‌الدین و مهدی جعفری خانقاه (پاییز ۱۳۸۲). نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغانستانی در سراسر جهان (۱۳۵۷-۱۳۸۱)، تهران (در دست چاپ).
۷. محرابی، معین‌الدین (۱۳۸۲). نشریات فارسی‌زبان مهاجران افغانستانی در ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۱)، تهران: مؤلف.
۸. خیرگزاری صدای افغان (آوا) (۱۳۷۸). [پیوسته]. قابل دسترس در: www.avapress.com/vdcd.9ox2ytonka26y.txt?phpsessid [Accessed 10 Dec. 2008]

کرد که همواره دو خط فکری متمایل به جریان تحول‌خواه و تمامت‌خواه (با گرایش مذهبی یا غیرمذهبی) بر فضای مطبوعات مهاجران سایه افکنده است؛

- عدم تمایل به همکاری‌های دسته‌جمعی و نداشتن فرهنگ دموکراتیک از آفت‌های جدی نشریات مهاجران به‌شمار می‌رود. این مسئله فارغ از مشکلات فنی و مالی که به‌نوعی نشریات مهاجران با آن دست به‌گریبان بودند، به‌تنهایی می‌توانست به بروز اختلافات درونی بینجامد و تعطیل زودهنگام نشریه‌ای را در پی داشته باشد؛

- بخش قابل‌توجهی از ادبیات سیاسی و اجتماعی مطبوعات مهاجران افغان نشئت‌گرفته از ادبیات مطبوعات جامعه میزبان است. بنابراین با مراجعه به لابه‌لای صفحات مطبوعات مهاجران می‌توان گفت که استفاده از ادبیات مطبوعات جامعه میزبان در دوره‌های مختلف تا چه اندازه متفاوت بوده است؛

- بی‌تفاوت‌نبودن به تحولات افغانستان و پای‌بندی به حفظ هویت فرهنگی و دینی از ویژگی‌های نشریات مهاجران به‌خصوص نشریات غیرسیاسی به‌حساب می‌آید؛

- غالب مطالب نشریات مهاجران افغان در ایران به زبان فارسی انتشار یافته و به‌ندرت مطالبی به زبان پشتو وجود دارد. در حالی که در پاکستان علاوه بر بخش‌های فارسی، مطالب زیادی از نشریات مهاجران افغان به پشتو به چاپ می‌رسد. باید گفت در دوره مهاجرت بخش قابل‌توجهی از شیعیان افغانستان که متشکل از قوم هزاره و فارسی‌زبان بودند، ایران را به‌عنوان پایگاه شیعه و کشوری فارسی‌زبان و از سوی دیگر طیف‌های وسیعی از پشتون‌های سنی‌مذهب پاکستان را به‌عنوان مأوا خود برگزیدند.

- توجه به راه‌اندازی نشریات الکترونیکی به‌نسبت تلاشی که برای انتشار نشریات چاپی از سوی مهاجران افغان در ایران صورت گرفته، بسیار کم بوده است. با توجه به عصر ارتباطات و لزوم دسترسی آسان به اخبار و اطلاعات، مهاجران افغان تلاش جدی در حوزه نشریات الکترونیکی در ایران از خود نشان نداده‌اند، اما در زمینه وبلاگ‌نویسی بسیار پرشتاب وارد میدان شده‌اند. ولی مهاجران افغان در کشورهای اروپایی و آمریکا همگام با انتشار نشریات چاپی و در دسترس قراردادن نشریات خود بر روی اینترنت، سایت‌های خبری پرطرفداری را بنیان نهاده‌اند.^۳

- نباید نقش نویسندگان و فرهنگیان - شعرا و ادبا - دانشجویان و طلاب افغانی را که هر یک بطور جداگانه اضلاع